



بحث قلمرو دین در سه ساحت فرد، جامعه و تاریخ قابل طرح است / انبیاء محور تکامل تاریخ

انبیاء و به ویژه نبی خاتم(ص)، محور تکامل تاریخ بوده‌اند و در بستر تکامل تاریخی، تکامل جوامع و در بستر تکامل جوامع، تکامل افراد را موجب شده‌اند و یا برعکس می‌توان گفت که افراد جوامع را و جوامع، تاریخ را می‌سازند و انبیاء با تأثیرات خود توانسته‌اند تاریخ را هدایت کنند.

انبیاء و به ویژه نبی خاتم(ص)، محور تکامل تاریخ بوده‌اند و در بستر تکامل تاریخی، تکامل جوامع و در بستر تکامل جوامع، تکامل افراد را موجب شده‌اند و یا برعکس می‌توان گفت که افراد جوامع را و جوامع، تاریخ را می‌سازند و انبیاء با تأثیرات خود توانسته‌اند تاریخ را هدایت کنند.

حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا پیروزمند، قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بحث درباره قلمرو دین پرداخت و گفت: مبحث قلمرو دین به عبارتی بیانگر این پرسش است که حوزه سرپرستی و دخالت دین در حیات فردی و اجتماعی انسان تا کجا و تا چه اندازه است؟ و به همین دلیل تعبیر قلمرو دین برای عنوان این مبحث بهتر از تعبیر انتظار بشر از دین می‌تواند باشد به دلیل این که در تعبیر «#انتظار بشر از دین»، دین به انسان مطالبه‌گر عرضه می‌شود، اما در تعبیر «#قلمرو دین»، دین هدایتگر است و انسان نیازمند به هدایت دینی است.

پیروزمند افزود: لذا باید ببینیم که هدایت دین در چه سطح و گستره‌ای اتفاق می‌افتد. بنابراین پرسش از قلمرو دین باید پاسخ این مسئله را معین کند و طبیعتاً برای مشخص شدن این پاسخ باید عرصه‌های محتمل حضور دین مورد توجه قرار گیرد تا ببینیم که در چه محدوده‌ای این هدایت اتفاق می‌افتد.

در موضوع قلمرو دین می‌توانیم بگوییم که در سه مقیاس فرد، جامعه و تاریخ، دین می‌تواند حضور داشته باشد و موضوع تصرف دین نیز حوزه‌های رفتار، اخلاق و اندیشه‌هایی است که هدایتگر و سرپرستی‌کننده فرد، جامعه و یا تاریخ است

قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی با بیان اینکه این مسئله را می‌توان در سه مقیاس مورد توجه، بررسی و مطالعه قرار داد، اظهار کرد: مقیاس اول قلمرو دین در سرپرستی فرد، مقیاس دوم قلمرو دین در سرپرستی جامعه و مقیاس سوم قلمرو دین در سرپرستی تاریخ سه مقیاس و ساحتی است که حضور دین در آن‌ها به منظور سرپرستی بشر قابل بررسی است.

وی درباره قلمرو دین در سرپرستی فرد گفت: در این مقیاس ما به انسان در هویت فردی او توجه می‌کنیم و این انسان برای به کمال رسیدن خود، احتیاج به برنامه سعادت‌ی دارد که براساس نظامی از اعتقادات و باورها و رفتارها و اخلاقیاتی که او را به کمال می‌رساند مسیر بندگی را طی کند. نکته اصلی در این ساحت این است که به دلیل قاصر بودن عقل انسان از فهم مناسبات کمال، ناگزیر به مراجعه به دین است تا او را در طریق کمال دستگیری کند.

پیوند سرنوشت افراد در ساحت اجتماعی و لزوم نقش‌آفرینی دین در این ساحت

پیروزمند درباره مقیاس دوم، یعنی جامعه، عنوان کرد: هر چند جامعه از احاد افراد تشکیل شده است و این افراد هستند که جامعه را می‌سازند، اما در پیوند افراد با هم، اتفاقی جدید می‌افتد که عبارت است از شکل گرفتن برآیندی از قدرت، که افراد در ترکیب با هم پیدا می‌کنند. این قدرت که از ترکیب افراد با هم حاصل می‌شود و به اقتضاء خود، هم مناسباتی را ایجاد می‌کند و هم نیازمندی‌های جدیدی را پدید می‌آورد، ساحتی متفاوت از ساحت فردی را رقم می‌زند که مواجهه بشر با آن و تعیین موضعش نسبت به آن، در کمال و سعادت او دخالت دارد.

این محقق و پژوهشگر افزود: ساختارسازی‌ها و نهادسازی‌های مختلف در مقیاس‌ها و موضوعات مختلف که در دنیای معاصر مشاهده می‌کنیم، نمودهایی از همین پیوند و ارتباط انسان‌ها با هم و ایجاد یک پتانسیل جدید از ترکیب اراده‌های انسانی محسوب می‌شود. به همین دلیل هم می‌بینیم که در اداره جوامع اموری همچون قانونگذاری، ایجاد مراکز احقاق حقوق، ایجاد مراکز تأمین امنیت موضوعیت پیدا می‌کند؛ چرا که در ساحت اجتماعی، مقیاس جدیدی پدید آمده که یک فرد از عهده مراقبت از آن و حفظ حریم‌های آن برنمی‌آید و لذا به طور طبیعی، نهادهای اجتماعی پدید آمده و مسئولیت‌پذیر می‌شوند.

این که ایران با یک محدوده جغرافیایی مشخص و دارای یک فرهنگ و تمدن معین، چگونه تحت جاذبه فرهنگ اسلام قرار می‌گیرد، یک موضوع است و این که جامعه جهانی، آن هم نه در یک مقطع زمانی، بلکه در فرآیندی طولانی مدت، چه تأثیری از تعالیم اسلام و تعالیم انبیاء می‌پذیرد، خواهان مقیاسی دیگر برای بررسی است

وی ادامه داد: در اینجا مقصود ما توجه دادن به مناسبات جدیدی است که علاوه بر ایجاد توانمندی برای افراد، در مقیاسی وسیعتر، خود به شکل طبیعی دارای شعاع تأثیری وسیعی هستند و تأثیرات آن‌ها، تنها گریبان یک فرد را نمی‌گیرند، بلکه گاه کل آحاد جامعه را درگیر خود می‌سازند. نمونه ساده این امر وضع قوانینی است که از سوی نهادهای قانونگذاری کشورها انجام می‌شود و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن برای کل جامعه قابل مشاهده است. بنابراین و با توجه به این که در ساحت جامعه سرنوشت همه افراد به نوعی به همدیگر گره می‌خورد، می‌توانیم دخالت دین در این ساحت را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

تاریخ؛ ساحتی برای بررسی قلمرو دین

پیروزمند در خصوص مقیاس سوم، که معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد، گفت: مقصود ما از مقیاس تاریخی آن است که از پیوند جوامع با هم در امتداد زمان، تاریخ شکل می‌گیرد و به عبارتی، به این ترتیب مقیاس جامعه با مقیاس تاریخ متفاوت می‌شود. برای مثال این که ایران با یک محدوده جغرافیایی مشخص و دارای یک فرهنگ و تمدن معین، چگونه تحت جاذبه فرهنگ اسلام قرار می‌گیرد، یک موضوع است و این که جامعه جهانی، آن هم نه در یک مقطع زمانی، بلکه در فرآیندی طولانی مدت، چه تأثیری از تعالیم اسلام و تعالیم انبیاء می‌پذیرد، خواهان مقیاسی دیگر برای بررسی است. به همین دلیل در این مقیاس نیز می‌توانیم این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم که آیا قلمرو دین سرنوشت تاریخی جوامع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد یا نه؟

قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی با بیان اینکه پاسخ ما به وجود نقشی برای دین در هر سه مقیاس، مثبت است، اظهار کرد: به نظر می‌آید که به همان دلیلی که در حیطه زندگی خصوصی قلمرو دین را می‌پذیریم، باید در عرصه اجتماعی و حتی تاریخی نیز پذیرا باشیم و معتقد باشیم که انبیاء و به ویژه نبی خاتم(ص)، محور تکامل تاریخ بوده‌اند و در بستر تکامل تاریخی، تکامل جوامع و در بستر تکامل جوامع، تکامل افراد را موجب شده‌اند و یا برعکس می‌توان گفت که افراد جوامع را و جوامع تاریخ را می‌سازند و انبیاء با تأثیرات خود توانسته‌اند تاریخ را هدایت کنند.

پیروزمند افزود: به همین خاطر در موضوع قلمرو دین می‌توانیم بگوییم که در سه مقیاس فرد، جامعه و تاریخ، دین می‌تواند حضور داشته باشد و موضوع تصرف دین نیز حوزه‌های رفتار، اخلاق و اندیشه‌هایی است که هدایتگر و سرپرستی‌کننده فرد، جامعه و یا تاریخ است. بنابراین، اجمالاً، این الگویی است که مبحث قلمرو دین می‌تواند، در قالب آن نیز مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

وی در پایان این بخش از گفت‌وگو عنوان کرد: البته بحث‌هایی عمیقتر، از فلسفه دین، در مورد قلمرو دین جای طرح دارد که ما به آن‌ها ورود پیدا نکرده‌ایم برای مثال این که ماهیت دین چیست؟ خاستگاه دین چیست؟ تأثیر اراده خدای متعال و اراده معصومین در شکل‌گیری محتوایی که ما به عنوان دین به آن قائلیم چیست؟ نسبت بین عقل و نقل در شکل‌گیری آن محتوایی که به عنوان از دین از آن یاد می‌کنیم چیست؟ و ما به بخش عمده‌ای از این موارد در کتاب «؛171؛ قلمرو دین در تحلیل مفروضات اساسی؛ ارزش‌ها، رفتارها و نمادها» که شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را چاپ و منتشر کرده است، پرداخته‌ایم.